

بسمه تعالی

**پایان نامه جهت
اخذ مدرک کارشناسی ارشد**

عنوان:

اصلاحات ساختاری در شورای امنیت سازمان ملل متحد بعد از فروپاشی شوروی

و پایان جنگ سرد (۱۹۹۱) الگوها و موانع

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین دهشیار

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر اصغر جعفری ولدانی

استاد داور:

جناب آقای دکتر قاسم زمانی

نگارنده:

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

بهنام فروغی فر

زمستان ۱۳۸۸

چکیده

بحث اصلاح شورای امنیت همیشه از مباحث مطروحه در سازمان ملل بوده . در واقع از همان ابتدای تشکیل سازمان ملل عده ای نسبت به ترکیب شورا انتقادهایی داشته اند . با این وجود تا کنون هیچگاه شورای امنیت به گونه ی جدی اصلاح نشده است علی رغم اینکه زمینه ها و ضرورت های فراوانی برای اصلاح شورا وجود دارد ، ولی موانع مهمتری نیز وجود دارد که تاکنون مانع از اصلاح شورا شده اند . مهمترین زمینه های فروپاشی شوروی و پایان نظام دو قطبی ، افزایش نقش بعضی از بازیگران بین المللی ، افزایش تعداد و نقش کشورهای جنوب ، شکل گیری اتحادیه اروپا ، افزایش وظایف شورا و کاهش میزان مشروعیت تصمیمات آن می باشد در مقابل قدرت و جایگاه آمریکا در عرصه ی بین المللی حق وتو و مسئله عضویت مهمترین موانع اصلاح شورا می باشد . هدف این پایان نامه بررسی همین موضوعات می باشد .

فهرست مطالب پایان نامه :

فصل اول : طرح تحقیق

- مقدمه ۱ - ۳
- طرح مساله ۵-۶
- (۱) سابقه تحقیق ۷-۸
- (۲) سوالات اصلی و فرعی تحقیق ۸
- (۳) مفروض ها ۸
- (۴) فرضیه(ها) ۸
- (۵) مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق ۹-۱۰
- (۶) روش تحقیق ۱۰
- (۷) فهرست مطالب پایان نامه ۱۰
- پی نوشت ها ۱۱

فصل دوم : چارچوب نظری

- مقدمه ۱۳-۱۴
- رنالیسم بطور کلی ۱۴-۱۶
- (۱) دولت گرایی ۱۷-۱۸
- (۲) خوداتکایی ۱۸-۱۹
- (۳) بقا ۱۹-۲۰
- اختلاف نئورالیسم با سایر دیدگاههای رئالیستی ۲۰

- ۲۰-۲۱.....(۱) تفاوت در سطح تحلیل
- ۲۱.....(۲) نگاه متفاوت به قدرت
- ۲۱-۲۲.....(۳) نگاه متفاوت به آنارشی
- ۲۲-۲۴.....نئورئالیسم
- ۲۴-۲۵.....(۱) اصل نظم دهنده
- ۲۵.....(۲) ویژگی واحدهای سیستم
- ۲۵-۲۶.....(۳) توزیع توانایی ها
- ۲۷-۲۸.....نوع نگاه رئالیست ها به سازمان بین المللی
- ۲۹-۳۰.....نتیجه گیری
- ۳۱-۳۲.....پی نوشت ها

فصل سوم: بررسی زمینه ها و ضرورت های اصلاح شورای امنیت

- ۳۴-۳۸.....مقدمه
- ۳۸.....زمینه ها و ضرورت های اصلاح شورای امنیت
- ۳۸-۴۱.....(۱) فروپاشی شوروی
- ۴۱-۴۲.....(۲) افزایش توان تاثیر گذاری بعضی از بازیگران بین المللی
- ۴۲.....الف) آلمان
- ۴۳-۴۴.....ب) ژاپن
- ۴۴.....ج) هند
- ۴۵.....د) برزیل

- ۳) افزایش نقش کشورهای جنوب..... ۴۶-۴۷
- ۴) تشکیل اتحادیه اروپا..... ۴۷-۴۸
- ۵) نیاز به نمایندگی عادلانه در شورای امنیت..... ۴۸-۴۹
- ۶) افزایش وظایف شورا و لزوم اصلاح آن..... ۴۹-۵۲
- ۷) الگوهای کلان گسترش شورای امنیت ۵۲-۵۴
- ۸) الگوی گسترش کاذب ۵۴-۵۵
- ۹) الگوهای گسترش عملی..... ۵۵-۵۶
- ۱۰) الگوهای گسترش دموکراتیک ۵۶-۵۷
- طرح های اصلاح شورای امنیت..... ۵۷-۵۸
- ۱) مدل A..... ۵۸-۵۹
- ۲) مدل B..... ۵۹-۶۰
- ۳) طرح ایتالیا..... ۶۰
- ۴) مدل سبز..... ۶۰-۶۱
- ۵) مدل آبی..... ۶۱
- ۶) مدل C..... ۶۱-۶۳
- ۷) مدل X ۶۳-۶۴
- ۷) طرح دولتهای غیر متعهد..... ۶۴
- ۸) طرح نروژ..... ۶۴-۶۵
- ۹) طرح ۲+۳..... ۶۵
- ۱۰) طرح مکزیکی..... ۶۵

۶۵-۶۸.....	طرح گروه چهار.....
۶۸-۷۲.....	طرح اتحادیه آفریقا.....
۷۳.....	دیدگاههای کشورها در مورد افزایش اعضای شورای امنیت.....
۷۳-۷۶.....	دیدگاه آمریکا..... (۱)
۷۶-۷۷.....	دیدگاه چین..... (۲)
۷۷.....	دیدگاههای سایر اعضا..... (۳)
۷۸-۷۹.....	دیدگاه ایران..... (۴)
۸۰-۸۶.....	نتیجه گیری.....
۸۷-۹۰.....	پی نوشت ها.....

فصل چهارم : بررسی موانع اصلاح شورای امنیت

۹۰-۹۵.....	مقدمه.....
۹۷.....	بررسی توزیع توانایی ها در بین دولت های بزرگ.....
۹۷-۱۰۱.....	روسیه..... (۱)
۱۰۱-۱۰۴.....	ژاپن..... (۲)
۱۰۴-۱۰۷.....	چین..... (۳)
۱۰۷-۱۰۹.....	اتحادیه اروپا..... (۴)
۱۰۹-۱۱۷.....	ایالات متحده آمریکا..... (۵)
۱۱۷-۱۲۱.....	شیوه های اصلاح منشور.....
۱۱۸-۱۲۱.....	حق وتو.....
۱۲۱-۱۲۵.....	مساله عضویت.....

نتیجه گیری..... ۱۲۶-۱۲۷

پی نوشت..... ۱۲۸-۱۳۲

فصل پنجم: بررسی پیامدهای اصلاح شورای امنیت برای ایران

مقدمه ۱۳۴-۱۳۶

(۱) شکستن انحصار در شورا ۱۳۶-۱۳۷

(۲) حرکت به سوی نظام بین الملل چند قطبی ۱۳۷-۱۳۸

(۳) پیامدهای اصلاح برای صلح و امنیت بین المللی ۱۳۸-۱۴۰

(۴) در اولویت قرار گرفتن مسائلی همچون تروریسم، سلاح های کشتار جمعی و حقوق بشر

..... ۱۴۰-۱۴۱

(۵) سیاست ایران در قبال مساله اصلاحات در شورای امنیت..... ۱۴۲-۱۴۳

فصل ششم:

نتیجه گیری ۱۴۴

پی نوشت ها ۱۴۵

جمع بندی نهایی ۱۴۶-۱۵۲

فهرست منابع ۱۵۵-۱۵۶

مقدمه

انتقادات از سازمان ملل و شورای امنیت باعث بروز مجموعه تلاش‌هایی جهت اصلاحاتی گردیده که هیچکدام از آنها هنوز صورت واقعیت پیدا نکرده‌اند. این تلاشهای اصلاحی حائز اهمیت‌اند چون تلاش می‌کنند تا سازمان ملل متحد، به عنوان یک نهاد جهانی جامع، قابل اعتماد تر گردد. یکی از این اقدامات اصلاحی که تحت نظارت سازمان ملل متحد صورت گرفت، تغییر عضویت شورای امنیت است. در سال ۱۹۶۵ منشور سازمان ملل متحد مورد اصلاح قرار گرفت تا تعداد اعضای شورا از ۹ عضو به ۱۵ عضو برسد. این افزایش تعداد اعضا ضروری بود چون به دلیل جریان استعمارزدایی و تشکیل دولت‌های جدید، تعداد اعضای سازمان ملل متحد زیاد شده بود. بسیاری از دولت‌های تازه استقلال یافته عمیقاً از عواقب جنگ و سایر اشکال تجاوز بین‌المللی آگاهی داشتند و به دنبال یک نفوذ بیشتر در روند تصمیم‌گیری در ارتباط با امنیت بین‌المللی بودند. با بحران خلیج فارس، پایان جنگ سرد و ایجاد کشورهای بیشتری که به دنبال عضویت در سازمان ملل متحد بودند، موضوع ترکیب و رویه‌های شورای امنیت، امری ضروری و بااهمیت به نظر می‌رسید.

افزایش اعضای دائم و نیز غیر دائم شورای امنیت تحت بررسی است. رئیس مجمع عمومی پیشنهاد داده است که تعداد اعضای این شورا با اضافه نمودن ۵ عضو دائم و ۴ عضو غیر دائم به ۲۴ عضو برسد. با وجود این، مسایل مربوط به انجام اقدامات دشوار در مورد شورا، نظیر افزایش اعضای دائم و نیز غیر دائم شورای امنیت تحت بررسی است. رئیس مجمع عمومی پیشنهاد داده است که تعداد اعضای شورا با اضافه نمودن ۵ عضو دائم و ۴ عضو غیر دائم به ۲۴ عضو برسد. با وجود این، مسایل مربوط به انجام اقدامات دشوار در مورد شورا، نظیر افزایش تعداد اعضا، تا حدودی تردید آمیز می‌نماید.

یکی از اصلاحات پیشنهادی، تغییر ترکیب اعضای دائمی در جهت "نمایندگی کردن" شورای امنیت می باشد ولی بهترین راه برای این منظور، به دیدگاه‌های مختلف بستگی دارد. بعضی ها عقیده دارند که عضویت دائم باید بر اساس قابلیت باشد. بریتانیا و فرانسه ای که روبه زوال است باید از عضویت برکنار شده و ژاپن و آلمان به عضویت شورای امنیت درآیند. بعضی نیز بر آن عقیده هستند که موقعیت جغرافیایی حائز اهمیت است. اروپا نمایندگان بیشتری در شورای امنیت دارد در حالیکه هند و کشورهای آمریکای جنوبی هیچ نماینده دائمی در این شورا ندارند. هنوز بعضی عقیده دارند که شرایط اقتصادی دارای اهمیت هستند و از اینروست که چنین نماینده مناسبی برای کشورهای در حال رشد نمی باشد و احتمال دارد به هند و برزیل حق وتو اعطا شود. ناظران اشاره می کنند که تغییر ترکیب عضویت دائم شورای امنیت بدون گسترش دادن این شورا از نظر سیاسی غیر عملی است. بریتانیای کبیر، فرانسه و چین تحت هیچ شرایطی، از حق وتو دست نمی کشند. نمایندگی شورای امنیت بر اساس شرایط اقتصادی یا جغرافیایی ممکن است منجر به نوعی فلج اقتصادی شود که در طول جنگ سر ایجاد شد، مگر اینکه دنیا به جای اینکه بین شرق و غرب تقسیم شود، بین شمال و جنوب تقسیم گردد.

یکی دیگر از اصلاحاتی که ممکن است باعث افزایش اعتبار شورای امنیت گردد، تغییر قدرت وتوی اعضای دائم است. با ایجاد این اصلاح، سازمان ملل متحد می تواند به کلی از شر حق وتو خلاص شده و بر مبنای اکثریت آرا تصمیم بگیرد. این اصلاح می تواند شورای امنیت را به یک قدرت فراملیتی تبدیل سازد، اگر چه تا زمانی که سازمان ملل متحد کمیته ستاد نظامی را مجدداً تشکیل ندهد و یک نیروی نظامی بین المللی ایجاد ننماید، چنین اصلاحی بی معنا خواهد بود. با وجود این، هیچ یک از این اقدامات با منافع ملی گرایان در داخل کشورهای عضو سازگاری ندارد.

مجموعه ای از این اصلاحات مطرح شده اند ولی هیچ کدام به اجرا در نیامده اند. دلایل آن نیز به دیدگاه ای مختلف بستگی دارد. شورای امنیت ترکیب بی بدیلی از آرمان گرایان و بدبینان است. این شورا بیانگر افکار سنتی و ابداعی و در بهترین یا بدترین حالت، هر دو آنهاست. سابقه شورای امنیت در حفظ و صلح و امنیت بین المللی مغشوش است. این شورا به عنوان دستورات قدرت های بزرگ مورد انتقاد قرار می گیرد و یا به عنوان مقلد نظام سرمایه داری.

فصل ۱

طرح تحقیق

(۱) طرح مسئله (تعریف و اهمیت موضوع)

مسئله اصلاحات در سازمان ملل متحد بویژه از جهت شمار اعضای دائم شورای امنیت و حق و تو از همان اولین سالهای برپایی این سازمان همواره وجود داشته است، اما در دوران جنگ سرد و نظام دوقطبی، از آن رو که قدرت های بزرگ نقش برجسته ای برای این سازمان قائل نبودند و به حفظ وضع موجود و بهره گیری ابزاری و مقطعی از آن بسنده می کردند، ضرورتی هم برای اصلاح و دگرگونی نمی دیدند. به همین دلیل پایان جنگ سرد نقطه عطفی در تاریخ سازمان ملل محسوب می گردد، زیرا زمینه های مناسبی برای اصلاح سازمان ملل به طور اعم و شورای امنیت به طور اخص ایجاد کرده است. پایان جنگ سرد پایان نظام دو قطبی و رقابت دو ابرقدرت بود. به همین دلیل عده ای پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی را عاملی می دانند که سبب احیای شورای امنیت می شود تا برای اولین بار بتواند وظایفی که منشور ملل متحد برای آن در نظر گرفته را به نحو احسن انجام دهد. جنگ خلیج فارس و موفقیت شورا در بیرون کردن عراق از کویت نقطه اوج این امیدواری ها بود. با این وجود اصلاحات در شورای امنیت حتی در دوران پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد با موانعی روبه روست، به گونه ای که حتی بعضی از کارشناسان بر این باور هستند که این موانع بسیار مهمتر از موانعی است که در درون جنگ سرد وجود داشت. توماس جی ویس یکی از این افراد می باشد که طی مقاله ای تحت عنوان «توهم اصلاحات در شورای امنیت»² به سه مانع عمده در این زمینه اشاره می کند که شامل ۱- حق و تو ۲- مساله عضویت ۳- قدرت و جایگاه آمریکا می باشد. در مورد اول به فرایند حقوقی اصلاح شورای امنیت اشاره می کند، بدین معنا که حتی اگر تمامی اعضای سازمان ملل متحد با یک طرح اصلاحی موافق باشند، ولی یکی از کشورهای دارنده حق و تو با آن مخالف باشد، عملاً آن طرح ناکام می ماند. با توجه به این که

دارندگان حق و تو بر اساس این اصل هر کشوری باید در جهت افزایش قدرت خویش حرکت کند و در مقابل از قدرت سایرین بکاهد عمل می کنند طبیعی است که با هر طرحی که سبب کاهش نفوذ و جایگاه آنها شود مخالفت خواهند کرد. در واقع بسیار بعید به نظر می رسد که تمامی اعضای دائمی بر روی یک طرح به توافق برسند و هیچ کدام از آنها از حق و توی خود استفاده نکنند. ویس در مورد مساله دوم اشاره به رقابت کشورها برای عضو شدن در شورای امنیت می کند، به گونه ای که تمام کشورهایی که کاندیدای عضویت در شورا هستند با مخالفت سایر دولت ها بویژه همسایگان خود مواجه شده اند. به عنوان مثال عضویت ژاپن با مخالفت چین و دو کره، عضویت برزیل با مخالفت آرژانتین، عضویت آلمان با مخالفت ایتالیا و عضویت هند با مخالفت چین و پاکستان مواجه شده است و در نهایت در بخش سوم به قدرت و جایگاه آمریکا اشاره می کند. قدرت آمریکا در دوران پس از جنگ سرد مدام در حال افزایش بوده به گونه ای که در حال حاضر آمریکا تنها قدرت چهار بعدی در جهان می باشد و با فاصله ای زیاد از سایر قدرت ها قرار گرفته است. همین قدرت و جایگاه آمریکا نیز به یکی از مهمترین عوامل مانع اصلاح شورا تبدیل شده، چرا که دولت آمریکا تقریباً در شرایطی برابر با سایرین قرار داشت، به شدت گسترش یافته و در نتیجه دیگر شایسته نیست که آمریکا در شورای امنیت در جایگاهی برابر با سایرین قرار گیرد. بنابراین خواستار آن شده که از قدرت و جایگاه سایرین در شورا و جایگاه سایرین در شورا کاسته شود در مقابل بر قدرت و جایگاه آمریکا افزوده شود. حتی بعضی از کارشناسان از جمله ساموئل هانتینگون معتقد هستند واقعیات قدرت در حال حاضر به گونه ای می باشد که در صورتی که دولتها بخواهند شورا را مطابق آن واقعیات اصلاح کنند، می باید حق و تو را از روسیه، فرانسه، چین و انگلیس بگیرد و در مقابل تنها آمریکا دارنده حق و تو باشند. چرا که بر اساس قدرت آمریکا

با فاصله ای بسیار زیاد از سایرین قرار دارد. بنابراین آمریکا می تواند با تصمیماتی که موافق نیست به راحتی آن را دور بزند. به عنوان مثال جنگ عراق این مساله را به راحتی اثبات می کند.

هدف این تحقیق نیز بررسی همین مسائل می باشد. همان طور که گفته شد اصلاحات در شورای امنیت از یک طرف دارای زمینه ها و ضرورت های مهمی می باشد و از طرف دیگر خلاف آنچه در دوران پس از جنگ سرد فکر می شد با موانع مهمی روبرو است. در این تحقیق به بررسی مهمترین زمینه ها و ضرورت های اصلاح و در عین حال مهمترین موانع اصلاح شورای امنیت پرداخته می شود.

۲) سابقه تحقیق:

به طوری کلی در ارتباط با سازمان ملل متحد و موضوعات مربوط به آن، کارهای کمی صورت گرفته به گونه ای که تعداد کتابهایی که در ارتباط با سازمان ملل نوشته شده اند بسیار محدود می باشد. اکثر این کتابها به بررسی کلی سازمان های بین المللی در کنار سایر سازمان ها و آن هم با توجه به منشور شرح داده اند. در واقع می توان گفت شاید به زبان فارسی هیچ کتابی در مورد اصلاحات در شورای امنیت نوشته نشده است. تنها کتابی که در ارتباط با مساله اصلاح سازمان ملل نوشته شده و در بخشی محدود از کتاب به شورای امنیت نیز توجه شده، کتاب تحول در ساختار نظام ملل متحد چاپ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی⁴ می باشد که در آن هم بیشتر به بررسی گزارش های دبیر کل پرداخته شده است. البته مقالات محدودی وجود دارند که به بحث اصلاح سازمان پرداخته اند ولی این مقالات هم اکثراً بحث اصلاح را به طور کلی مورد واریسی قرار داده اند و کمتر به مساله اصلاح شورا پرداخته اند و حتی زمانی که به این مسئله توجه کرده اند، آن را بیشتر از دید حقوقی بررسی کرده و به مسائل سیاسی توجه نکرده اند. هدف این تحقیق بررسی

زمینه ها، ضرورت ها و موانع اصلاح شورای امنیت در چارچوب دیدگاه نئورئالیسم در مقطع زمانی پس از جنگ سرد می باشد، که از این جهت می توان آن را کاری نو در این زمینه دانست.

(۳) سوالات اصلی و سوالات فرعی تحقیق:

این تحقیق دارای یک سوال اصلی است:

سوال اصلی: اصلاح شورای امنیت در دوران پس از جنگ سرد با چه موانعی روبرو است؟

(۴) مفروض (ها):

مهمترین مفروضی که اساس این تحقیق محسوب می شود عبارتند از «نوع نظام بین الملل یا به عبارت دیگر نوع و شکل توزیع توانایی ها در بین کشورها در موفقیت و یا عدم موفقیت اصلاح شورای امنیت نقشی اساسی دارد.»

(۵) فرضیه (ها):

مهمترین موانع اصلاح شورای امنیت قدرت و جایگاه امریکا، حق وتو (با توجه به این که هر گونه اصلاح شورای امنیت مستلزم رای هر پنج عضو دائم است) و مساله عضویت به معنای این که در بین کشورها بر سر این که چه کشورها شرایط حضور را دارند، اختلاف نظر وجود دارد.

(۶) مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق:

دو متغیر اصلی این تحقیق شامل «زمینه ها و موانع اصلاحات» به عنوان متغیر مستقل و «اصلاحات در شورای امنیت» به عنوان متغیر وابسته می باشد.

مهمترین مفاهیم این تحقیق دو مفهوم «اصلاحات» و «نظام بین الملل» می باشد. کلمه اصلاحات دارای معنای پیچیده ای است. به طور کلی هرگونه بهبود در هر روند کاری را اصلاح می گویند، که می توان به ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن اشاره کرد. به عنوان مثال در عرصه

داخلی کشورها معمولاً از اصلاحات سیاسی، اصلاحات اقتصادی و... صحبت می‌شود. معمولاً وقتی از اصلاحات در چارچوب شورای امنیت بحث می‌شود چند مساله مدنظر می‌باشد. مساله اول افزایش تعداد اعضای شورای امنیت می‌باشد مبنی بر اینکه ترکیب کنونی با واقعیت‌های جاری همخوانی ندارد و باید دچار اصلاح شود. مساله دوم حق و تواست که مخالفان بسیاری دارد و مخالفان آن خواهان اصلاح شورای امنیت در این زمینه هستند. مساله سوم، مساله شفافیت در فعالیت‌های شورا است که در این زمینه بسیاری شورای امنیت را به دلیل اینکه بسیاری از جلسات را پشت درهای بسته برگزار می‌کند، مورد انتقاد قرار داده‌اند و خواهان شفافیت بیشتر و اصلاح شورا در این زمینه شده‌اند. در این تحقیق هر کجا کلمه اصلاحات مورد استفاده قرار می‌گیرد صرفاً در معنای اول به کار برده می‌شود و در واقع منظور اصلاح در این جا توجه ای نشده است. مفهوم دوم نظام بین الملل است. در بین کارشناسان در مورد معنای نظام بین الملل تفاوت‌های وجود دارد و هرکس با توجه به چارچوب نظری خودش آن را تعریف کرده است، به گونه ای که نمی‌توان به تعریف مشترکی از این مفهوم رسید. در اینجا مفهوم نظام بین الملل براساس والتز تعریف شده است که طی فصل دوم در بخش چارچوب نظری به طور مفصل این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

(۷) روش تحقیق:

روش تحقیق در این پایان نامه روش نظری مبتنی بر دیدگاه نئورئالیسم والتز می‌باشد. البته به فراخور موضوع سعی می‌شود از واقعیت‌های عینی نیز استفاده شود.

۸) فهرست پایان نامه

این پایان نامه مشتمل بر پنج فصل است. فصل اول طرح تحقیق می باشد. در فصل دوم به بررسی دیدگاه رئالیسم پرداخته می شود و مهمترین تفاوت ها و شباهت های آن با سایر دیدگاههای رئالیستی مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت دیدگاه رئالیست ها در مورد سازمان های بین المللی بیان می شود. فصل سوم بررسی مهمترین زمینه ها و ضرورت های اصلاح سازمان ملل به طور کلی و شورای امنیت به طور اخص را شامل می شود. علاوه بر این طی این فصل به بررسی مهمترین طرح هایی که برای اصلاح شورای امنیت ارائه شده پرداخته می شود. بررسی دیدگاههای کشورهای دارنده حق وتو به اضافه ایران بخش پایانی این فصل را تشکیل می دهد. فصل چهارم بررسی مهمترین موانع اصلاح شورای امنیت می باشد. در ابتدا با توجه به دیدگاه والتز به بررسی توزیع توانایی ها در عرصه بین المللی پرداخته می شود و سپس به بررسی حق وتو و مساله عضویت توجه خواهد شد. فصل پنجم بررسی مهم ترین پیامدهای اصلاح شورای امنیت بر جمهوری اسلامی ایران می باشد. همچنین در این فصل سیاستی را که ایران می بایست در قبال اصلاح شورای امنیت در پیش گیرد نیز توضیح داده می شود.

پی نوشت ها:

۱. امیری وحید، مجتبی، سازمان ملل متحد در سده ی بیست و یکم، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال

نوزدهم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر ۱۳۸۴، ص ۵۲.

2. Thomas G. Weiess, the mission of UN security Council Reform, **Washington**

Quarterly. Winter 2003-4.

۳. دو غرب، گفتگویی با ساموئل هانتگتون و آنتونس گیدنز، ترجمه: دکتر مجتبی امیری وحید، مجله اطلاعات

سیاسی و اقتصادی، سال ۱۸، شماره ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۴۵.

۴. بعیدی نژاد، حمید و دیگران، تحول در ساختار نظام ملل متحد، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،

زمستان ۱۳۸۴.

فصل دوم

چهار چوب نظری

رنالیسم، علی رغم همه نقدهای اساسی که از آن شده،

هنوز موثرترین سنت فکری در روابط بین الملل است. ۱.

مقدمه

هر کدام توجه خاصی به سازمان های بین نظریه هایی که در علم روابط بین الملل وجود دارند، المللی به عنوان یک بازیگر کرده اند. لیبرال ها، نظریه پردازان مکتب انگلیسی، مارکسیست ها و از بین این رنالیست ها هر کدام دیدگاههای خاص خود را در مورد سازمان های بین المللی دارند. نظریه ها بیشترین توجه را به سازمان های بین المللی لیبرال ها داشته اند که اوج این توجه را می توان در پایان جنگ جهانی دوم و نگاه ویلسون دانست. در آن زمان این گونه جلوگیری از وقوع جنگ های آینده باشد.

با این وجود به نظر می رسد دیدگاههای لیبرالیستی در تبیین جایگاه سازمان های بین المللی موفق نبوده اند این مساله را می توان به راحتی با توجه به شکست جامعه ملل و فروپاشی آن نشان داد. به طور کلی می توان گفت لیبرال ها در تبیین جایگاه و اهمیت سازمان های بین المللی تا اندازه ای اغراق کرده اند و به واقعیت های بین المللی توجه نکرده اند. چیزی که بعدها خود آنها نیز قبول کرده اند و به همین دلیل بعضی از آنها به ارائه نظریه نئولیبرالیسم پرداختند که همان طور که می دانیم این نظریه بسیاری از مفروضات رنالیستی را در خود جای داده است.

با توجه به این مسائل در این پایان نامه نئورنالیست به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. علت این موضوع را علاوه بر مسائل ذکر شده می توان در موارد زیر دانست. اول این که رنالیسم علی رغم همه نقدهایی که از آن شده هنوز موثرترین نظریه روابط بین المللی است. رنالیسم از همان ابتدا با نقدهای اساسی مواجه بود، چه آن زمانی که آرمان گرایان به انتقاد از آن می پرداختند و چه زمانی که بعدها رفتارگرایان، نظریه پردازان وابستگی متقابل پیچیده، نئولیبرالیسم به انتقاد از